

قواعد حل تعارض مربوط به اموال در حقوق ایران و انگلستان

دکتر سید فضل ا. موسوی *

سید مهدی موسوی **

چکیده

موضوع اصلی حقوق بین‌الملل خصوصی، تعارض قوانین است و قواعد مربوط به حل تعارض در زمینه اموال از جایگاه محوری در این حوزه برخوردار می‌باشد. در این مقاله به بررسی قواعد حل تعارض در زمینه اموال مادی (منقول و غیرمنقول) و اموال غیرمادی (مالکیت ادبی و هنری و مالکیت صنعتی) در حقوق ایران و انگلستان پرداخته شده است. در عین حال به بحث تعارض متحرک و موارد استثنا نیز اشاره گردیده است. در خصوص اموال غیرمنقول، قاعده‌ی حل تعارض در حقوق ایران طبق مواد ۸ و ۹۶۶ قانون مدنی، قانون محل وقوع مال غیرمنقول است. اما این قاعده در حقوق انگلستان، بر اساس رویه‌ی قضایی، قانون محل وقوع مال غیرمنقول می‌باشد، اما استثنائاتی هم وجود دارد. در خصوص اموال منقول، طبق ماده‌ی ۹۶۶ قانون مدنی، قانون محل وقوع مال ملاک حل تعارض است اما در حقوق انگلستان یک قاعده‌ی مشخص وجود ندارد و اصولاً بر اساس پنج رویه‌ی حقوقی موجود عمل می‌شود. در خصوص اموال غیرمادی نیز در هر دو کشور قوانینی وجود دارد، ضمن این که هر دو کشور به معاهداتی بین‌المللی در این خصوص ملحق شده‌اند.

کلید واژگان

تعارض قوانین، اموال، مادی، غیرمادی، انگلستان، ایران.

* استاد و رئیس دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

** دانشجوی دوره‌ی دکترای حقوق خصوصی دانشگاه تهران.

مقدمه

هنگامی که در یک دعوا عناصر خارجی وجود داشته باشند و دعوا را به قانون کشور یا کشورهای خارجی مرتبط سازند، قاضی رسیدگی کننده باید با توسل به قواعد حل تعارض و براساس قانون مقر دادگاه قضیه‌ی مربوط را توصیف و حل و فصل نماید. تعارض قوانین وقتی ایجاد می‌شود که یک موضوع مربوط به حقوق خصوصی به دلیل دخالت عوامل خارجی به کشورهای خارجی ارتباط پیدا کند که در این جا وظیفه‌ی قاضی اینست که مشخص نماید در این مسئله قانون چه کشوری حاکم خواهد بود. مسئله‌ی تعارض قوانین از مهم‌ترین مباحث روز و موضوع اصلی حقوق بین‌الملل خصوصی می‌باشد. از میان دسته‌های ارتباط، دسته‌ی ارتباط اموال دربرگیرنده‌ی تمامی مصادیق اموال است و قواعد حل تعارض مربوط به آن در ماده‌ی ۹۶۶ قانون مدنی ایران ذکر شده است. اما این که موضوع دعاوی ارجاعی باید در کدام دسته‌ی ارتباطی قرار گیرند باید طبق نظر قاضی دادگاه و براساس قانون مقر دادگاه توصیف شود. با توجه به این که از میان دسته‌های ارتباط، مبحث اموال از حساسیت و فراگیری زیادی در دنیا برخوردار است و موضوع بسیاری از دعاوی اشخاص خصوصی در سطح بین‌المللی می‌باشد، لذا در این مقاله سعی شده تا مقایسه‌ای میان قواعد حل تعارض در زمینه‌ی اموال در حقوق ایران و حقوق انگلستان به عنوان مصادیق نظام‌های حقوقی موضوعه و عرفی صورت پذیرد.

کلیات) تقسیم‌بندی اموال در حقوق ایران و انگلستان

۱) تقسیم‌بندی اموال در حقوق ایران

در حقوق داخلی اموال را به دو دسته‌ی مادی (اموالی که دارای وجود خارجی و نمود بیرونی هستند و موضوع داد و ستد حقوقی بین اشخاص قرار می‌گیرند) و غیرمادی

(اموالی که دارای وجود خارجی و نمود بیرونی نیستند و عبارت‌اند از حقوق مالی که به اشخاص امکان انتفاع از اشیای مادی را می‌دهند) تقسیم می‌نمایند.^۱ اموال مادی به دو دسته‌ی منقول و غیرمنقول و اموال غیرمادی به دو دسته‌ی مالکیت ادبی و هنری و مالکیت صنعتی تقسیم گردیده‌اند.

ملاک تشخیص اموال منقول از غیرمنقول تعریفی است که قانون مدنی در ماده‌ی ۱۲ در مورد اموال غیرمنقول ارایه نموده است: «مال غیرمنقول آنست که از محلی به محل دیگر نتوان نقل نمود... به نحوی که نقل آن مستلزم خرابی یا نقص مال یا محل آن بشود». مال منقول نیز نقطه‌ی مقابل آن خواهد بود؛ یعنی مالی که حرکت دادن آن مستلزم خرابی یا نقص مال یا محل آن نباشد، به عبارت دیگر مالی که قابل نقل و انتقال است.

مالکیت ادبی و هنری مشمول مقررات «قانون حمایت از مولفان و مصنفان» (۱۳۴۸/۱۰/۱) است^۲ و «قانون ثبت علائم و اختراعات» (۱۳۱۰/۴/۱)^۳، «کنوانسیون پاریس» (۱۳۳۷/۱۲/۴)^۴، «قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی» (۱۳۸۳/۱۱/۷)^۵، «موافقت‌نامه‌ی لیسبون در مورد حمایت از اسامی مبدا و ثبت بین‌المللی آن‌ها» (مورخ ۳۱ اکتبر ۱۹۵۸) تجدید نظر شده در استکهلم (مورخ ۱۴ جولای ۱۹۶۷) و اصلاح شده به تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۹ «(۱۳۸۳/۱۲/۱۲)^۶، «قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای»

۱. کاتوزیان، امیرناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۸۰.

۲. روزنامه‌ی رسمی، شماره‌ی ۷۲۸۸.

۳. همان، شماره ۷۷۲.

۴. همان، شماره ۴۱۷۷.

۵. همان، شماره ۱۷۵۳۹.

۶. همان، شماره ۱۷۴۶۹.

(۱۳۷۹/۱۰/۴)^۷ و «قانون تجارت الکترونیکی» (۱۳۸۲/۱۰/۱۷)^۸ نیز ناظر بر مالکیت صنعتی می‌باشند.

۲) تقسیم‌بندی اموال در حقوق انگلستان

در انگلستان تقسیم‌بندی سنتی اموال به گونه‌ی دیگری می‌باشد، بدین معنی که اموال را تحت دو عنوان «اموال واقعی»^۹ و «اموال شخصی»^{۱۰} تقسیم‌بندی می‌کنند. به کلیه‌ی حقوق و منافع مشخص در زمین مانند حق مالکیت، حق ارتفاق و انتفاع و...، «اموال واقعی» و به کلیه‌ی حقوق و منافع مشخص که به طور غیر مستقیم با زمین مرتبط هستند «اموال شخصی» گفته می‌شود.^{۱۱} همان‌طور که ملاحظه می‌شود این دو عنوان در حقوق داخلی کاملاً نامانوس و ناشناخته هستند.

امروزه حقوق‌دانان انگلیسی و رویه‌ی قضایی انگلستان به دلیل مشکلات ناشی از این تقسیم‌بندی (به‌ویژه در دعاوی مربوط به حقوق بین‌الملل خصوصی)، مجبور به تغییر تقسیم‌بندی سنتی اموال شده‌اند و همانند سایر کشورهای دارای نظام حقوقی موضوعه، تقسیم‌بندی اموال به مادی (منقول و غیرمنقول) و غیرمادی (مالکیت ادبی، هنری و مالکیت صنعتی) را پذیرفته‌اند.^{۱۲}

۷. همان، شماره ۱۷۴۴۵.

۸. همان، شماره ۱۷۱۴۷.

9. Real Property.

10. Personal Property.

11. Sukhninder, Panesar, General Principles of Property Law, London, Longman, 2001, pp.46-55.

12. Kirsty, J.Hood, Conflict of Laws within the UK, Oxford University, 2007, p. 127.

فصل اول) قواعد حل تعارض مربوط به اموال مادی

اموال مادی به اموالی گفته می‌شود که دارای وجود خارجی و نمود بیرونی هستند. همان‌طور که ذکر شد اموال مادی به دو دسته‌ی اموال منقول و غیرمنقول تقسیم می‌شوند. قاعده‌ی کلی در زمینه‌ی اموال مادی قاعده‌ی محل وقوع مال می‌باشد؛ در این فصل ابتدا به بررسی تطبیقی قواعد حل تعارض در زمینه‌ی اموال غیرمنقول در حقوق ایران و انگلستان می‌پردازیم و سپس قواعد حل تعارض دو کشور در مورد اموال منقول را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

گفتار اول) قواعد حل تعارض مربوط به اموال غیرمنقول

(۱) مبانی قاعده: به نظر می‌رسد اعمال این قاعده‌ی بیش از هر قاعده‌ی دیگری، به‌طور هم‌زمان با مصالح و حاکمیت و نظم عمومی کشور محل وقوع مال و اشخاص در ارتباط باشد. در مجموع، متخصصان رشته‌ی حقوق بین‌الملل خصوصی چهار مبنا را برای اعمال این قاعده معرفی نموده‌اند که اساس دو مبنای اول را سیاسی و اساس دو مبنای دوم را حفظ منافع اشخاص قلمداد کرده‌اند.^{۱۳}

مبنای اول) چون مال غیرمنقول جزو سرزمین کشور محل وقوع مال محسوب می‌گردد باید قوانین آن کشور بر کلیه‌ی حقوق و منافع مربوط به مال غیرمنقول و نقل و انتقال و اجرای آن‌ها حاکم باشد.

مبنای دوم) چون دولت محل وقوع مال غیرمنقول، نظم محل آن را تامین می‌کند باید قوانین آن که در راستای نظم عمومی محل وقوع مال تنظیم شده‌اند، بر مال حکومت کنند تا در نهایت، نظم محل نیز حفظ گردد.

۱۳. الماسی، نجادعلی، تعارض قوانین، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، چاپ پنجم، ۱۳۸۰، ص. ۱۸۰.

مبنای سوم) مصلحت اشخاص و حفظ حقوق آنان اقتضا می کند که اموال غیرمنقول آنها تابع نظام ثبت اموال غیرمنقول معین شده توسط کشور محل وقوع مال باشد و اصولاً کشور محل وقوع مال بهتر از هر کشور دیگری توانایی طراحی این نظام را دارد.

مبنای چهارم) لازمه اجرای قانون محل وقوع مال، جلوگیری از اجرای قانون کشورهای دیگر است. بدین معنی که فقط باید یک قانون بر اموال غیرمنقول حاکم باشد و اگر قرار است این قانون، قانون محل وقوع مال باشد، باید از اجرای سایر قوانین جلوگیری به عمل آید.^{۱۴}

۲) قاعدهی حل تعارض مربوط به اموال غیرمنقول در حقوق ایران

در ایران نیز همانند کلیه نظام های حقوق بین الملل خصوصی در دنیا، قاعدهی محل وقوع مال غیرمنقول به عنوان تنها قاعدهی حاکم بر قواعد حل تعارض در این زمینه شناخته می شود.

اصولاً با توجه به عدم قابلیت جابه جایی اموال غیرمنقول و ثابت بودن محل وقوع آنها، این قاعده به راحتی قابل اعمال است و مشکلی ایجاد نمی کند. این قاعده در مواد ۸ و ۹۶۶ قانون مدنی بیان شده است که به ترتیب به توضیح آنها خواهیم پرداخت:

الف) مادهی ۸ قانون مدنی: این ماده بیان می دارد: «اموال غیرمنقول که اتباع خارجه در ایران بر طبق عقود تملک کرده یا می کنند، از هر جهت تابع قانون ایران است». این ماده از بند ۲ مادهی ۳ قانون مدنی فرانسه^{۱۵} اقتباس شده است و هدف قانون گذار در زمان تصویب این ماده جلوگیری از نقل و انتقال بی رویه ی اموال غیرمنقول به بیگانگان

۱۴. همان، ص. ۱۸۵.

15. Les immeubles, même ceux possédés par des étrangers, sont régis par la loi française (www.Legifrance.gov.fr) .

و تثبیت حاکمیت ملی کشور در مورد این اموال که جزیی از خاک کشور قلمداد می‌شوند، بوده است.

این ماده تنها در مورد اموال غیرمنقول واقع در ایران تعیین تکلیف کرده و نسبت به اموال غیرمنقول واقع در خارج از ایران ساکت است.

ب) ماده‌ی ۹۶۶ قانون مدنی: این ماده بیان می‌دارد: «تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیای منقول و غیرمنقول تابع قانون مملکتی خواهد بود که اشیا در آن واقع می‌باشند...».

قانون‌گذار در تاریخ ۱۳۱۳/۱۱/۶ نقص ماده‌ی ۸ را با وضع ماده‌ی ۹۶۶ برطرف ساخت. ماده‌ی ۹۶۶ نقص قسمت اول ماده‌ی ۸ را ندارد و برای اموال غیرمنقول خارج از کشور نیز وضع قاعده نموده است. در عین حال قانون‌گذار عبارات «تصرف و مالکیت و سایر حقوق» را جای‌گزین عبارت «از هر جهت» نموده که به نظر می‌رسد درصدد محدود نمودن قلمرو قاعده بوده است.

۳) قاعده‌ی حل تعارض مربوط به اموال غیرمنقول در حقوق انگلستان

رویه‌ی قضایی انگلستان که مبنای قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی آن نیز هست، در همه‌ی موارد، قاعده‌ی محل وقوع مال غیرمنقول را تنها قاعده‌ی حل تعارض در این خصوص می‌داند.^{۱۶} اما در حقوق انگلستان، شیوه‌ی برخورد با این مسئله که قانون محل وقوع مال چه اموری را دربر می‌گیرد با حقوق ایران متفاوت است. بدین معنی که از دیدگاه رویه‌ی قضایی انگلستان ممکن است کسی اهلیت کلی انعقاد قرارداد نسبت به مال

16. Dicey & Morris, The Conflict of Laws, Vol. 2, 12 ed., Sweet & Maxwell, 1993, pp. 960- 965.

غیرمنقول را داشته باشد ولی طبق قانون محل وقوع مال غیرمنقول، اهلیت انعقاد معامله نسبت به آن مال برای او به رسمیت شناخته نشده باشد. این در حالی است که براساس حقوق ایران، اهلیت معاملاتی افراد مطابق قانون دولت متبوع آنان سنجیده می‌شود و نه براساس قانون محل وقوع مال. طبق حقوق انگلستان، کلیه حقوق مربوط به مال غیرمنقول و تشریفات نقل و انتقال آن می‌بایست مطابق قانون محل وقوع مال به عمل آمده باشد و بر همین اساس در مورد دعاوی مربوط به آن حکم صادر می‌شود.^{۱۷}

گفتار دوم) قواعد حل تعارض مربوط به اموال منقول

قاعده‌ی حل تعارض در مورد این اموال نیز قاعده‌ی محل وقوع مال است ولی به علت متحرک بودن این اموال و قابلیت جابه‌جایی آن‌ها، تشخیص محل وقوع مال، در راستای اجرای صحیح قاعده، دارای اهمیت بسیاری می‌باشد.

(۱) مبانی قاعده: مبانی قاعده‌ی محل وقوع مال منقول همان است که برای قاعده‌ی محل وقوع مال غیر منقول ذکر شد. ولی برخی از حقوق‌دانان بر این باوراند که چون ارتباط این اموال با محل وقوع خود ارتباطی ذاتی نیست و ممکن است جنبه‌ی تصادفی داشته باشد، لذا دلایل مزبور با درجه‌ی ضعیف‌تری مورد استناد واقع می‌شوند.^{۱۸}

مبانی این قاعده را به طور خلاصه می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

مبنای اول) کشور محل وقوع مال منقول باید برای نظم بخشیدن به کلیه‌ی روابط مرتبط با مال منقول قوانینی وضع کند و آن‌ها را اجرا نماید. در این راستا، حاکمیت و مصلحت کشور محل وقوع مال اقتضا دارد تا قوانین خود را بر این روابط حاکم سازد.

17. *Adams v. Clutterbuck*, in: *Dicey & Morris, op.cit.*, 964.

۱۸. الماسی، پیشین، ص. ۱۸۷.

مبنای دوم) اجرای درست قواعد مربوط به اموال منقول واقع در قلمرو حاکمیت یک کشور وقتی امکان‌پذیر است که قانون محل وقوع مال ناظر بر روابط مربوط به مال منقول باشد. اگر حکمی برخلاف قانون محل وقوع مال صادر شود ممکن است کشور محل وقوع مال آن را اجرا نکند؛ بنابراین مصلحت اشخاص اقتضا دارد که قانون محل وقوع مال به عنوان قاعده‌ی حل تعارض شناخته شود.

۲) قاعده‌ی حل تعارض مربوط به اموال منقول در حقوق ایران

ماده‌ی ۹۶۶ قانون مدنی در این خصوص تعیین تکلیف نموده و قاعده‌ی حل تعارض حاکم بر اموال منقول را قاعده‌ی محل وقوع مال منقول قرار داده است. این ماده به صورت دو جانبه وضع شده و نسبت به کلیه‌ی اموال منقول، اعم از این که در داخل کشور یا خارج کشور باشند، وضع حکم نموده است. ماده‌ی ۹۶۶ مقرر می‌دارد: «تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیای منقول و غیرمنقول تابع قانون مملکتی خواهد بود که اشیاء در آن واقع می‌باشند».

۳) قواعد حل تعارض مربوط به اموال منقول در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان یک قاعده‌ی حل تعارض مشخص در این زمینه وجود ندارد و در طول تاریخ، پنج نظریه‌ی مختلف و به تبع آن پنج رویه در این حوزه اعمال شده‌اند که آرایه‌ی نیز بر طبق هر یک از آن‌ها صادر شده و هر کدام طرف‌دارانی دارند. این نظریه‌ها عبارت‌اند از:

نظریه‌ی اول) قانون اقامتگاه مالک^{۱۹}: طبق این نظریه که در قرن نوزدهم

میلادی و پیش از آن رایج بود، قاعده‌ی حل تعارض در زمینه‌ی اموال منقول، قانون محل اقامتگاه مالک آن است. طرف‌داران این نظریه بیان می‌دارند که چون مال منقول ذاتاً منتسب به یک محل خاص نیست و حتی اگر هم باشد، آن محل قابل تغییر است، بنابراین بهترین راه‌حل، اعمال قانون اقامتگاه مالک است زیرا اولاً محل مال منقول تابع محل مالک است و ثانیاً اقامتگاه مالک یک ملاک ثابت است و تغییر نمی‌کند و حتی در صورت تغییر اقامتگاه مالک، اموال نیز با او جابه‌جا خواهند شد.^{۲۰}

در این نظریه بر لزوم تفکیک دو مفهوم اقامتگاه (Domicil) و محل سکونت (Residence) تأکید شده است.^{۲۱}

ایراداتی که ساوینی^{۲۲}، حقوق‌دان آلمانی در قرن ۱۹ میلادی بر این نظریه وارد ساخت، سبب متروک شدن آن گردید. طبق نظر وی، در مواردی که اصل مالکیت مورد نزاع باشد یا هنگامی که مالک یا اقامتگاه وی معین نباشد، این نظریه مشکل‌ساز خواهد شد و راه‌حلی ارائه نمی‌کند.^{۲۳}

در مقابل، طرف‌داران این نظریه این طور پاسخ داده‌اند که در موارد بالا قانون اقامتگاه خواهان ملاک عمل خواهد بود.^{۲۴} ولی این نظر نیز خالی از ایراد نیست چرا که

19. The Law of the Domicile.

20. Kirsty, *op.cit.*, p. 138.

21. Richman, William M., Understanding Conflict of Laws, Mathew Bender & Company Inc., 2002, p. 140.

22. Savini.

23. Bogdan, Michael, 2006, p. 183.

24. *Ibid.*, p. 185.

ترجیح اقامتگاه خواهان بر خواننده ترجیح بلامرجح است و اقامتگاه خواهان هیچ خصوصیتی ندارد.

نظریه‌ی دوم) قانون محل عمل حقوقی^{۲۵}: طرف‌داران این نظریه می‌گویند تنها قاعده‌ی حل تعارض در زمینه‌ی اموال منقول، قانون محل انجام عملی است که به موجب آن مال منقول به مالک یا متصرف آن منتقل شده است.

پیروان این نظریه، نظر خود را این‌طور توجیه می‌کنند که قانون محل عمل حقوقی هم بر نفس عمل و هم بر نقل و انتقالات آن حاکم است و اصولاً حقوق ناقل و منتقل‌الیه تحت حکومت قانون کشوری است که انتقال در آن انجام شده اگرچه مال بعداً به کشور دیگری منتقل شود.^{۲۶} ایراد عمده‌ی وارد به این نظریه، آن است که در مواردی که محل وقوع عمل حقوقی و محل وقوع مال متفاوت باشد، قاضی در مقام عمل دچار مشکل می‌شود.

نظریه‌ی سوم) قانون مناسب^{۲۷}: پیروان این نظریه معتقدند که برای حل تعارض قوانین مربوط به اموال منقول باید به قانون کشوری رجوع شود که بر نفس انتقال حاکم است. قانون مناسب به قانون کشوری گفته می‌شود که عمل موجب انتقال، بیش‌ترین و نزدیک‌ترین ارتباط را با آن کشور داشته باشد.^{۲۸} برای مثال اگر تابعیت دو نفر آلمانی و محل وقوع مال هم آلمان باشد، قانون مناسب قانون آلمان است.

25. The Law of the Place of the Legal Act .

26 . *Romer. Kayl. Jin. Alcock v. Smith*, in: North, Peter & Fawcett, JJ., chesir and North's, Privat International Law, London, Buterworth, 1987, p.79.

27. Proper Law.

28 . North & Fawcett, *op.cit.*,79.

این نظر نیز خالی از اشکال نیست زیرا معیار مشخصی برای تشخیص قانون مناسب انتقال وجود ندارد و در ثانی در بسیاری از موارد هیچ کاربردی ندارد؛ مثل وقتی که طرفین دعوا یک انگلیسی و یک آلمانی باشند که در ایتالیا اقامه‌ی دعوا کرده‌اند و مال نیز در روسیه قرار داشته باشد.

نظریه‌ی چهارم) قانون محل وقوع مال^{۲۹}: طرف‌داران این دیدگاه، نظریه‌ی ساوینی حقوق‌دان آلمانی را می‌پذیرند. از دیدگاه وی همان طور که جایگاه ذاتی و طبیعی اموال غیرمنقول، محل وقوع آن‌هاست، در مورد اموال منقول نیز بدین گونه است و مالک مال منقول به‌طور ضمنی علاقه‌مند است که مال منقول تحت حاکمیت قانون محل وقوع آن باشد. هم‌چنین در حقوق بین‌الملل عمومی دولت‌ها تاکید دارند که باید قانون کشور محل وقوع مال توسط سایر دول به رسمیت شناخته شود زیرا حاکمیت دولت محل وقوع مال، بر آن نظارت عینی و همیشگی دارد.^{۳۰}

اکثر کشورهای اروپایی از این نظریه پیروی می‌کنند لکن پرسشی که به ذهن متبادر می‌شود این است که اگر کالا در حال حمل باشد و یا در مرز یا محلی باشد که تعیین محل دقیق آن امکان‌پذیر نیست، چه باید کرد؟

«دیس»^{۳۱}، «وست لیک»^{۳۲} و «موریس»^{۳۳} از طرف‌داران این نظریه هستند. «وست لیک» می‌گوید: «مسایل مربوط به انتقال و کسب حقوق عینی در اموال منقول مادی کالا تحت قانون محل وقوع مال است».^{۳۴}

29.The Law of the Place of the Property.

30 . North & Fawcett, *op.cit.*,789.

31.Dicey.

32.Westlake.

نظریه‌ی پنجم) نظریه‌ی جدید: این نظریه ترکیبی از دو نظریه‌ی قانون مناسب و محل وقوع مال است. طرف‌داران این نظریه می‌گویند در مواردی که جنبه‌ی قراردادی غالب است (مواردی که به نفس قرارداد مربوط می‌شوند) باید قانون مناسب را اعمال نمود و در مواردی که جنبه‌ی مالی غلبه دارد (مواردی که به معامله و داد و ستد مربوط می‌شوند) باید قانون محل وقوع مال را اجرا کرد.^{۳۵}

برای مثال اگر دو فرانسوی در انگلستان نسبت به مال منقول واقع در فرانسه معامله کنند و سپس مشخص شود که مال کم‌تر از میزان مقرر در معامله بوده است، بررسی مسئولیت یا عدم مسئولیت معامل در مقابل متعامل، طبق قانون مناسب صورت خواهد پذیرفت. ولی این که آیا برای صحت معامله، قبض ضروری است یا نه باید با رجوع به قانون محل وقوع مال تعیین تکلیف نمود. مبنای این نظریه قضیه‌ی کامل علیه سول^{۳۶} می‌باشد. موضوع این قضیه از این قرار بود که شخصی که تبعه و مقیم انگلستان بود مقداری الوار در کشور روسیه خرید و به سمت انگلستان فرستاد. کشتی حامل الوار در نروژ به گل نشست و از این رو ناخدای کشتی محموله را به فرد دیگری فروخت، در حالی که این انتقال طبق قانون انگلستان صحیح نبود. پس از مدتی خریدار الوارها را به انگلستان منتقل می‌کند. خریدار اولیه درخواست بطلان معامله را می‌نماید. دادگاه پس از رسیدگی با این استدلال که چون محل انتقال الوارها نروژ بوده و طبق قانون نروژ، معامله صحیح بوده است، دعوا را رد می‌کند.^{۳۷}

33. Morris.

34 . Graveson, R.H., Conflict of Laws, London, Sweet & Marwell, 1974, p. 461.

35 . North & Fawcett, *op.cit.*, p.791.36 . *Cammell v. Sewell*, 1858.37 . North & Fawcett, *op.cit.*, 792.

البته همان طور که ملاحظه می شود در این دعوا میان جنبه‌ی قراردادی و جنبه‌ی مالی تنکیکی صورت نگرفته و قاعده‌ی محل وقوع مال اعمال شده ولی نظریه‌ی جدید بر همین اساس استوار گردیده است.

۴) تعارض متحرک

تعارض متحرک وقتی به وجود می آید که محل تشکیل حق و محل اجرای آن با هم متفاوت باشند. برای مثال کسی یک کشتی را در کشور انگلستان بخرد و بعدا بخواهد در فرانسه به رهن بگذارد.

الف) تعارض متحرک در حقوق ایران

قاعده‌ی مربوط به تعارض متحرک در زمینه‌ی اموال منقول در آخر ماده‌ی ۹۶۶ قانون مدنی بیان شده است: «... معذلک حمل و نقل شدن شیئی منقول از مملکتی به مملکت دیگر نمی تواند به حقوقی که ممکن است اشخاص طبق قانون محل اولیه‌ی شیء نسبت به آن تحصیل کرده باشند، خللی وارد آورد». این بخش از ماده در صدد بیان این معنی است که تغییر محل مال منقول به حقوق مکسبه‌ای که فرد در کشور محل قبلی مال به دست آورده خللی وارد نمی آورد^{۳۸} و حق ایجاد شده در ایران نیز مورد احترام است. البته باید به این نکته توجه داشت که این قاعده فقط مربوط به مرحله‌ی ایجاد حق است و اجرای حق طبق قانون محل وقوع مال خواهد بود. یعنی استیفای حقوق مکسبه در محل قبلی مال، تابع قانون محل فعلی آن است.

۳۸. سلجوقی، محمود، حقوق بین الملل خصوصی، جلد دوم، نشر دادگستر، ۱۳۸۲، شماره‌ی ۳۱۴.

برای این که حقی مکتسبه تلقی شود دو شرط لازم است. اول این که حق بر طبق قانون کشوری ایجاد شده باشد که قاعده‌ی حل تعارض ایرانی آن را صالح می‌داند، دوم این که تمام شرایطی که قانون محل ایجاد حق برای تشکیل حق ضروری می‌داند رعایت شده باشد.^{۳۹}

بنابراین اگر حقی مکتسبه تلقی شود اجرای حق براساس قانون محل وقوع مال به عمل خواهد آمد؛ برای مثال اگر بیع صرف در کشوری صورت گرفته باشد ولی خریدار بدون این که آن را قبض کرده باشد به شخص دیگری فروخته باشد و آن شخص در ایران خواستار تحویل مال بشود، قاضی ایرانی نمی‌تواند با استناد به این که در حقوق ایران قبض شرط صحت بیع صرف است، معامله را باطل بداند بلکه باید بررسی کند که آیا در کشور محل ایجاد حق، بیع صرف بدون قبض صحیح بوده است یا خیر و در صورت مثبت بودن پاسخ او نیز باید عقد را صحیح تلقی نماید و فقط نحوه‌ی اجرای حق را مطابق قانون ایران که محل وقوع مال است اعمال کند.

ب) تعارض متحرک در حقوق انگلستان

در حقوق داخلی انگلستان راه حل خاصی برای تعارض متحرک به چشم نمی‌خورد و حقوق دانان در هر قضیه با توجه به منابع موجود در رویه‌ی قضایی، به طور موردی به ارایه‌ی راه حل می‌پردازند.^{۴۰}

۳۹. الماسی، پیشین، ص. ۱۰۷.

40 . See: Collier, J. G., Conflict of Law, Cambridge University Press, 2005, pp. 312-384; Mayss, Alba J., Conflict of Laws, Cavendish, 1997, pp. 103-123; Moloney, Niamh, Conflict of Laws, HLT Publications, 1996, pp. 214-235; Glasson, Robert, Conflict of Laws, Butterworth, 2000, pp. 52-54; Lorenzen, Ernest Gustav, Conflict of



منابع موجود در رویه‌ی قضایی انگلستان عبارت‌اند از قضایای کامل علیه سول (۱۸۵۸) و وینک ورس علیه کریستی (۱۹۸۰).^{۴۱} در قضیه‌ی اول همان طور که بیان گردید، مسئله این بود که اگر مال منقول از کشور محل تحصیل حق به کشور دیگری منتقل شود آیا این نظر حقوق انگلستان محترم است یا خیر؟ پاسخ این است که این حق تا زمانی محترم است که در محل وقوع مال، حق جدیدی قانوناً به وجود نیامده باشد. به عبارت دیگر «مالکیت و حق نسبت به اموال منقول که براساس قانون محل مال به وجود آمده باشد حتی اگر به محل جدیدی منتقل شود محترم می‌باشد. این حق تا زمانی محترم است که حق جدیدی قانوناً ایجاد نشده باشد».^{۴۲}

قضیه‌ی دوم از این قرار بود که آثار هنری شخصی به سرقت می‌رود و به کشور ایتالیا منتقل می‌گردد. سارق، این آثار را در ایتالیا به یک تبعه‌ی انگلستان می‌فروشد سپس خریدار آثار را به انگلستان باز می‌گرداند و مالک اصلی علیه وی اقامه‌ی دعوا می‌کند. دادگاه دعوی خواهان را رد می‌نماید به این شرح که چون خریدار در محل قبلی مال نسبت به این مال یک حق صحیح و قانونی به دست آورده و در زمان انتقال نیز قانون همان محل بر معامله حاکم بوده، معامله طبق قانون محل انتقال مال صحیح است.^{۴۳}

۵) استثنائات وارد بر قاعده‌ی قانون محل وقوع مال منقول

با توجه به این که اموال منقول به راحتی جابه‌جا می‌شوند و دارای مکان ثابت ذاتی نیستند، در مواردی که مال در حال حمل و نقل یا در مرز یا محل نامعین یا در کشتی و

Law, W. S. Hein, 2006, pp. 476-483; Clarkson, Christopher M. V., Hill, Jonathan, Conflict of Laws, Oxford University Press, 2006, pp.419-444.

41 . *Cammell v. Sewell* (1858); *Winkworth v. Christie* (1980).

42 . *Dicey & Morris, op.cit.*, pp. 970 – 971

43 . *Morris, The Conflict of Laws*, London, 2ed., Sweet & Maywell, 2000, p. 354.

هواپیما معامله می‌شود، تعیین محل وقوع مال و در نتیجه اعمال قاعده‌ی محل وقوع مال مشکل می‌شود و بنابراین باید برای یافتن یک راه‌حل عملی در این خصوص اقدام نمود.

الف) حقوق ایران

در حقوق ایران هیچ‌گونه نص قانونی در این باره وجود ندارد. برخی حقوق‌دانان معتقدند در مواقعی که کالا با یک وسیله‌ی نقلیه مثل کشتی یا هواپیما در حال جابه‌جایی است، قانون محل وقوع مال، قانون کشور متبوع آن وسیله است. به عبارت دیگر قانون کشوری حاکم بر آن مال خواهد بود که آن وسیله، پرچم آن کشور را برافراشته است. طرف‌داران این نظریه عقیده‌ی خود را چنین توجیه می‌کنند که با توجه به رابطه‌ی تنگاتنگی که میان وسیله‌ی نقلیه و کشور متبوع آن وجود دارد، این وسیله در واقع جزیی از خاک آن کشور تلقی می‌شود و داخل در قلمرو حاکمیت آن است.^{۴۴}

ایرادی که به این نظر وارد می‌آورند اینست که فقط اموال در حال حمل با وسیله‌ی دارای پرچم را دربر می‌گیرد و در مورد حمل اموال منقول با وسیله‌ی نقلیه‌ی فاقد پرچم ساکت است.

برای حل این مسئله، این‌گونه پیشنهاد شده است که با توجه به ماده‌ی ۶ کنوانسیون ۱۹۵۸ در مورد انتقال مالکیت در بیع اشیای منقول، باید قانون کشور مقصد را اعمال نمود.^{۴۵}

البته این راه‌حل نیز قابل انتقاد به نظر می‌رسد، زیرا اعمال قانون کشور مقصد در مقایسه با اعمال قانون کشور محل ارسال مال، دارای ایراداتی است، از جمله این که محل

۴۴. الماسی، پیشین، ص. ۱۸۸.

۴۵. سلجوقی، پیشین، ص. ۳۳۲.

ارسال مال همواره ثابت و معین است و در مقام تعیین قانون محل وقوع مال ما را دچار مشکل نمی‌کند، در حالی که تعیین محل فعلی مال و تشخیص این که در عمل به چه مقصدی حمل شده ممکن است در مواردی پیچیده و مشکل‌آفرین باشد.

در هر حال به نظر می‌رسد نظر اول بهتر باشد زیرا اولاً میان وسیله‌ی نقلیه و کشور متبوع آن ارتباط وجود دارد؛ ثانیاً در حال حاضر اکثر قریب به اتفاق وسایل نقلیه (از جمله کشتی و هواپیما و خودروهای سنگین مخصوص ترانزیت) دارای پرچم هستند و حتی اگر برخی از آن‌ها دارای پرچم نباشند، می‌توان به طور مثال از روی پلاک آن‌ها (خودروهای سبک و سنگین) و یا تابعیت مالک آن‌ها (قایق‌های کوچک) ارتباط مناسب و به تبع آن قاعده‌ی حل تعارض را مشخص کرد. در حالی که نظر دوم به جهت پذیرش قانون کشور مقصد، در مقام عمل در تعیین این امر که کالا به چه نقطه‌ای حمل شده است و به تبع آن، تعیین قاعده حل تعارض دچار مشکل می‌شود.

ب) حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان نیز هیچ روش معینی در برخورد با این مسئله وجود ندارد. نظرات مختلفی در این خصوص ارایه شده است:

نظریه‌ی اول) آخرین محلی که مال در آن قرار دارد. ایراد این نظریه آن است که اولاً اگر مال در حال عبور از منطقه‌ای فاقد حاکمیت باشد چه باید کرد؟ ثانیاً گاهی تعیین محل دقیق وقوع مال بسیار مشکل یا مورد اختلاف است مثل وقتی که کالا در مرز است.

نظریه‌ی دوم) قانون کشور مقصد مال. ایراد وارد به این نظر آن است که مقصد نهایی ممکن است هر لحظه تغییر کند.

نظریه‌ی سوم) این نظریه که به نظریه‌ی جدید معروف است بیان می‌دارد که باید به طور موردی تعیین تکلیف نمود. اگر وسیله فاقد پرچم باشد باید قانون مناسب را اعمال نمود (یعنی قانون کشوری که بیش‌ترین ارتباط را با قضیه دارد) و اگر وسیله دارای پرچم است، قانون کشور صاحب پرچم را باید اعمال کرد.^{۴۶} نظریه‌ی سوم مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

فصل دوم) قواعد حل تعارض مربوط به اموال غیرمادی

اموال غیرمادی به دو بخش مالکیت ادبی و هنری و مالکیت صنعتی تقسیم می‌شوند.

گفتار اول) حقوق ایران

الف) مالکیت ادبی و هنری

در ابتدا حمایت از مالکیت ادبی و هنری یا به عبارتی حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مطابق قانون مجازات عمومی به عمل می‌آمد. در تاریخ ۱۳۴۸/۱۰/۱۱، قانون «حمایت از حق مولفان و مصنفان» تصویب گردید که در آن شرایط ایجاد و اعمال حق و مدت دوام آن معین شده است. در این قانون برای مولفان و هنرمندان (که طبق این قانون پدیدآورنده نامیده شده‌اند) دو نوع حق در نظر گرفته شده که عبارت‌اند از حقوق مادی و حقوق معنوی. حقوق مادی محدودیت زمانی دارند و قابل نقل و انتقال هستند، مثل حق نشر و تکثیر (ماده‌ی ۳). حقوق معنوی غیرقابل انتقال هستند مگر به موجب ارث؛ این حقوق محدودیت

46 . Kirsty, *op.cit.*, pp. 165 - 168.

زمانی و مکانی ندارند و محل نشر اثر و اقامتگاه پدیدآورنده در این زمینه تاثیری ندارد (مواد ۳ و ۴).

این قانون در مورد این که آیا حقوقی که برای خارجیان در خارج از کشور ایجاد شده، باید در ایران محترم شمرده شود یا نه ساکت است. اما با توجه به ماده‌ی ۶ قانون «ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی»^{۴۷} مصوب ۱۳۵۲/۱۰/۶ که حمایت از آثار اتباع خارجی را به وجود عهدنامه یا معامله‌ی متقابل منوط نموده است، شاید بتوان گفت که اگر کشور متبوع مولف یا هنرمند خارجی که اثر او در خارج ثبت شده است، از حقوق مولفان و هنرمندان ایرانی که آثار آنها در ایران ثبت شده، حمایت به عمل آورد و به عبارت دیگر در این خصوص معامله‌ی متقابل وجود داشته باشد، دادگاه ایران از حقوق آنها حمایت خواهد نمود.

بر اساس قواعد عمومی حقوق داخلی و کنوانسیون برن در مورد مالکیت ادبی و هنری (۱۸۸۶) که ایران نیز به آن پیوسته، قانون حاکم بر مالکیت ادبی و هنری قانون محلی است که اثر در آنجا انتشار یافته است.^{۴۸}

ب) مالکیت صنعتی

به‌طور کلی اکتشافات و اختراعات مشمول قانون «ثبت علائم و اختراعات» مصوب ۱۳۱۰/۴/۱ هستند. علائم تجاری در این قانون چنین تعریف شده‌اند: «علامت تجاری عبارت است از هر قسم علامت اعم از نقش، تصویر، رقم، حرف، مهر، لفاف و عنوان که برای امتیاز و تشخیص محصول صنعتی و تجاری اختیار می‌شود. ویژگی اصلی علامت

۴۷. روزنامه رسمی، شماره‌ی ۸۴۶۴

۴۸. الماسی، پیشین، ص. ۲۹۵.

تجاری، متمایز کردن محصولات تاجر یا تولیدکننده از محصولات و تولیدات تجار و تولیدکنندگان دیگر می‌باشد».

حق اختراع نیز مطابق ماده‌ی ۲۶ همین قانون به حقی گفته می‌شود که به مخترع آن اجازه‌ی بهره‌برداری انحصاری از حق خود را به مدت محدود می‌دهد و منوط به ثبت شدن اختراع در اداره‌ی ثبت است. مخترع در این مدت می‌تواند از آن شخصا استفاده نموده و یا آن را به دیگری واگذار نماید.

در حال حاضر ایران برطبق «قانون الحاق ایران به کنوانسیون حمایت از مالکیت صنعتی»^{۴۹} مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۴ به کنوانسیون پاریس پیوسته و مقررات آن را نسبت به سایر اعضای کنوانسیون اجرا می‌نماید. هم‌چنین مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۷ «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به موافقت‌نامه‌ی لیسبون در مورد حمایت از اسامی مبدا و ثبت بین‌المللی آن‌ها مورخ ۳۱ اکتبر ۱۹۵۸ (۱۳۳۷/۸/۹) و تجدیدنظر شده در استکهلم به تاریخ ۱۴ جولای ۱۹۶۷ (۱۳۴۶/۴/۲۳) و اصلاح شده به تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۹ (۱۳۵۸/۷/۶)»^{۵۰} را تصویب کرده است که به موجب آن باید مقررات این موافقت‌نامه را در مورد سایر اعضا اجرا نماید. بر اساس ماده‌ی ۱ این موافقت‌نامه، اسم مبدا (به اسم جغرافیایی کشور، منطقه یا محلی اطلاق می‌شود که محصول نشأت گرفته از آن‌جا باشد و کیفیت و مشخصات آن منحصر یا اساسا به خاطر محیط جغرافیایی، از جمله عوامل طبیعی و انسانی است [ماده‌ی ۲]) مورد حمایت قرار می‌گیرد.

هم‌چنین بر اساس ماده‌ی ۸ موافقت‌نامه، اقدام حقوقی لازم برای تضمین حمایت از اسم مبدا در هر یک از کشورهای عضو به موجب مقررات قوانین ملی بر اساس تقاضای

۴۹. روزنامه‌ی رسمی، شماره‌ی ۴۱۷۷.

۵۰. روزنامه‌ی رسمی، شماره‌ی ۱۷۴۶۹.

اداره‌ی صالح یا دادستان یا توسط هر شخص ذینفع حقیقی یا حقوقی یا عمومی یا خصوصی صورت خواهد گرفت.

هم‌چنین طبق ماده‌ی ۴ این موافقت‌نامه، مفاد این معاهده به هیچ وجه حمایتی را که از قبل، اسامی مبدا در هریک از کشورهای عضو به موجب سایر اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی یا به به موجب قانون داخلی یا تصمیمات دادگاه از آن برخوردار بوده‌اند، مستثنی نمی‌سازد.

قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی (۱۳۸۳/۱۱/۷) نیز از نشانه‌های جغرافیایی (نشانه‌ای که مبدا کالایی را به قلمرو، منطقه یا ناحیه‌ای از کشور منتسب می‌سازد مشروط بر این که کیفیت و مرغوبیت، شهرت یا سایر خصوصیات کالا اساساً قابل انتساب به مبدا جغرافیایی آن باشد [ماده‌ی ۱]) حمایت به عمل می‌آورد. طبق مواد ۲ و ۳ این قانون نشانه‌های جغرافیایی اعم از این که ثبت شده باشند یا نه، مورد حمایت قرار می‌گیرند و هر شخص یا گروه ذینفع می‌تواند در خصوص نشانه‌های جغرافیایی به منظور جلوگیری از معرفی و انتساب غیرواقعی و گمراه‌کننده‌ی مبدا جغرافیایی کالا و هرگونه استفاده از نشانه‌های جغرافیایی که مطابق کنوانسیون پاریس مصداق رقابت نامشروع باشند، یا ضرر و زیان ناشی از آن‌ها، در دادگاه اقامه‌ی دعوا نماید.

شایان ذکر است که طرحی تحت عنوان «ثبت اختراعات طرح‌های صنعتی و علائم و نام‌های تجاری» در تاریخ ۱۳۸۶/۵/۹ طبق اصل ۸۵ قانون اساسی در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید که قرار است در کمیسیون مربوط بررسی و تصویب شود. هم‌چنین «لایحه‌ی الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به معاهده‌ی همکاری در ثبت اختراعات» در تاریخ ۱۳۸۶/۵/۹ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده و در حال حاضر در حال سپری کردن مراحل قانونی جهت تبدیل شدن به قانون است.

با وجود تصویب قوانین مذکور که در بالا به آن‌ها اشاره شد، قواعد حل تعارض ایران در مورد مالکیت صنعتی، در حال حاضر اصولاً مطابق کنوانسیون پاریس است. بر این اساس، در مورد مالکیت صنعتی چون حق مخترع یا دارنده‌ی علامت تجاری یا طرح صنعتی پس از دخالت دولت مورد شناسایی قرار می‌گیرد، قانون حاکم بر آن‌ها قانون دولتی است که حق اختراع یا امتیازنامه را اعطا می‌نماید.^{۵۱} بنابراین در مقام حل تعارض، قانون محل ثبت اولیه به عنوان قانون حاکم اعمال می‌شود. در مورد علائم تجاری، لازم به ذکر است که قواعد حل تعارض بدین شکل اعمال می‌شوند که اگر شرکت یا موسسه‌ی خارجی مطابق قانون ثبت شرکت‌ها در ایران ثبت شده باشد، قانون ایران در هر صورت از آن حمایت به عمل می‌آورد و اگر موسسه‌ای شرایط بالا را نداشته باشد، حمایت از آن منوط به معامله‌ی متقابل کشور متبوع آن است.

گفتار دوم) حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان، بیست و چهار مورد قانون^{۵۲} در زمینه‌ی اموال غیرمادی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: قانون اختراعات (۱۹۷۷)^{۵۳}، قانون مقررات مربوط به اختراعات (۱۹۹۵)^{۵۴}، مقررات مربوط به هزینه‌ی ثبت اختراعات (۱۹۹۸)^{۵۵}، قانون علائم تجاری (۱۹۹۴)^{۵۶}، مقررات مربوط به علائم تجاری (۲۰۰۰)^{۵۷}، مقررات مربوط به هزینه‌ی

۵۱. الماسی، نجادعلی، حقوق بین‌الملل خصوصی، میزان، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص. ۲۹۵.

۵۲. www.patent.gov.uk; www.defra.org.uk; www.alcs.co.uk.

۵۳. The Patents Act, 1977.

۵۴. The Patents Rules, 1995.

۵۵. The Patents (Fees) Rules, 1998.

۵۶. Trade Marks Act, 1994.

ثبت علائم تجاری (۲۰۰۰)^{۵۸}، قانون طرح‌های صنعتی به ثبت رسیده (۱۹۴۹)^{۵۹}، مقررات مربوط به طرح‌های صنعتی به ثبت رسیده (۱۹۹۵)^{۶۰}، مقررات مربوط به هزینه ثبت طرح‌های صنعتی (۱۹۹۸)^{۶۱}، قانون هزینه‌ی ثبت طرح‌های صنعتی در اتحادیه‌ی اروپا (۲۰۰۲)^{۶۲}، قانون مقررات مربوط به طرح‌های صنعتی در اتحادیه‌ی اروپا (۲۰۰۵)^{۶۳}، قانون حمایت از مالکیت ادبی و هنری، طرح‌های صنعتی و اختراعات (۱۹۸۸)^{۶۴}، قانون پخش صدا و تصویر (۱۹۹۰)^{۶۵}، قانون پخش صدا و تصویر (۱۹۹۶)^{۶۶}، قانون مدت اعتبار حق مالکیت ادبی و هنری و حقوق ناشی از اجرای برنامه یا سخنرانی (۱۹۹۵)^{۶۷}، قانون حق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط با آن (۱۹۹۶)^{۶۸}.

هم‌چنین، انگلستان در زمینه‌ی مالکیت معنوی به هفده کنوانسیون بین‌المللی پیوسته و مقررات آن‌ها را اجرا می‌نماید.^{۶۹} مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: کنوانسیون سازمان جهانی

57. The Trade Marks Rules, 2000.

58. The Trade Marks (Fees) Rules, 2000 .

59. The Registered Designs Act, 1949.

60. The Registered Designs Rules, 1995.

61. The Registered Designs (Fees) Rules, 1998.

62. The Community Design (Fees) Regulations, 2002.

63. The Community Design Regulations, 2005.

64. Copyright, Designs and Patents Act, 1988.

65. The Broadcasting Act, 1990.

66. The Broadcasting Act, 1996.

67. The Duration of Copyright and Rights of Performances Regulations, 1995.

68. The Copyright and Related Rights Regulations, 1996.

69. www.wipo.int.

مالکیت معنوی یا «WIPO» (از سال ۱۹۷۰)، کنوانسیون پاریس در مورد مالکیت صنعتی (از سال ۱۸۸۴)، کنوانسیون برن در مورد آثار هنری (از سال ۱۸۸۷)، کنوانسیون حق اختراع یا «PLT» (از سال ۲۰۰۶)، کنوانسیون مادرید در مورد مبدا نادرست یا متقلبانه‌ی کالا (از سال ۱۸۹۲)، پروتکل مادرید در مورد ثبت بین‌المللی علائم تجاری (از سال ۱۹۹۵)، کنوانسیون نیس در مورد طبقه‌بندی بین‌المللی کالا و خدمت (از سال ۱۹۶۳)، کنوانسیون لوکارنو در مورد طبقه‌بندی بین‌المللی طرح‌های صنعتی (از سال ۲۰۰۳)، کنوانسیون رم در مورد سازمان‌ها و تولیدکنندگان آثار سمعی و بصری (از سال ۱۹۶۴)، کنوانسیون استراسبورگ در مورد طبقه‌بندی بین‌المللی حق اختراع (از سال ۱۹۷۵).

بر اساس کنوانسیون‌ها و قوانین مزبور، در مجموع به نظر می‌رسد که گذشته از برخی موارد استثنا که پرداختن به آن‌ها از حوصله‌ی این مقاله خارج می‌باشد، در مقام حل تعارض باید به قانون کشوری که اثر هنری و ادبی یا حق اختراع و علامت تجاری برای اولین بار در آن ثبت شده رجوع کرد. به عبارت دیگر ملاک عمل، رجوع به قانون محل ثبت اثر یا علامت است.^{۷۰}

70. Mireille, M. M. Van Eeochoud, Intellectual Property, Kluwer Law International, 2003, p. 235; Ooi, Maisie, Shares and Others Securities in the Conflict of Laws, Oxford University Press, 2002, p. 256; Stone, Peter, Conflict of Laws, Pearson Education Australia, 1997, p.387.

نتیجه گیری

در خصوص اموال غیرمنقول، قاعده‌ی حل تعارض در حقوق ایران بر طبق مواد ۸ و ۹۶۶ قانون مدنی، قانون محل وقوع مال غیرمنقول است. مبنای این قاعده نیز بر دو محور کلی استوار است که مورد اول سیاسی (لزوم تامین نظم عمومی کشور محل وقوع مال غیرمنقول و احترام به حاکمیت آن کشور) و مورد دوم مبنی بر لزوم حفظ مصالح و منافع اشخاص است. در حقوق انگلستان قاعده‌ی حل تعارض در زمینه‌ی اموال غیرمنقول بر اساس رویه‌ی قضایی، همواره قانون محل وقوع مال غیرمنقول است ولی با این توضیح که ممکن است کسی اهلیت کلی انعقاد قرارداد نسبت به مال غیرمنقول را داشته باشد ولی طبق قانون محل وقوع مال غیرمنقول، اهلیت انعقاد معامله نسبت به آن مال برای او به رسمیت شناخته نشده باشد که از این لحاظ با حقوق ایران تفاوت دارد.

در خصوص اموال منقول، قاعده‌ی حل تعارض در حقوق ایران طبق ماده ۹۶۶ قانون مدنی، قانون محل وقوع مال منقول است. مبنای این قاعده نیز بر دو محور کلی لزوم حفظ نظم عمومی کشور محل وقوع مال و احترام به حاکمیت و مصلحت آن کشور و لزوم اجرای صحیح قواعد مربوط به اموال منقول موجود در قلمرو حاکمیت کشور محل وقوع مال استوار است. در حقوق انگلستان یک قاعده‌ی حل تعارض مشخص در زمینه‌ی اموال منقول وجود ندارد ولی پنج رویه در این زمینه اعمال شده‌اند که عبارت‌اند از: قانون اقامتگاه مالک، قانون محل عمل حقوقی، قانون مناسب، قانون محل وقوع مال و نظریه‌ی جدید مبنی بر ادغام نظریه‌ی قانون مناسب انتقال و نظریه‌ی قانون محل وقوع مال.

قاعده‌ی مربوط به تعارض متحرک در زمینه‌ی اموال منقول در حقوق ایران طبق ماده‌ی ۹۶۶ عبارت است از این که تغییر محل مال منقول به حقوق مکسبه‌ای که فرد در کشور محل قبلی مال به دست آورده خللی وارد نمی‌کند. در حقوق انگلستان راه حل

خاصی برای تعارض متحرک مشاهده نمی‌شود و حقوق‌دانان انگلیسی در هر قضیه با توجه به منابع موجود در رویه‌ی قضایی به طور موردی به ارایه راه حل می‌پردازند.

در خصوص اموال غیرمادی، قاعده‌ی حل تعارض در خصوص مالکیت ادبی و هنری بر اساس قواعد عمومی حقوق داخلی و کنوانسیون برن در مورد مالکیت ادبی و هنری (۱۸۸۶) که ایران نیز به آن پیوسته است، قانون محلی است که اثر در آن‌جا انتشار یافته است. هم‌چنین طبق «قانون حمایت از حق مولفان و مصنفان و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی»، حمایت از آثار اتباع خارجی به وجود عهدنامه یا معامله‌ی متقابل منوط شده است. قواعد حل تعارض ایران در مورد مالکیت صنعتی، در حال حاضر مطابق کنوانسیون پاریس است. بر این اساس، در مورد مالکیت صنعتی چون حق مخترع یا دارنده‌ی علامت تجاری یا طرح صنعتی پس از دخالت دولت مورد شناسایی قرار می‌گیرد، قانون حاکم بر آن‌ها قانون دولتی است که حق اختراع یا امتیازنامه را اعطا می‌نماید. بنابراین در مقام حل تعارض، قانون محل ثبت اولیه به عنوان قانون حاکم اعمال می‌شود. در مورد علائم تجاری، لازم به ذکر است که قواعد حل تعارض بدین شکل اعمال می‌شوند که اگر شرکت یا موسسه‌ی خارجی مطابق قانون ثبت شرکت‌ها در ایران ثبت شده باشد، قانون ایران در هر صورت از آن حمایت به عمل می‌آورد و اگر موسسه‌ای شرایط بالا را نداشته باشد، حمایت از آن منوط به معامله‌ی متقابل کشور متبوع آن است. در حقوق انگلستان در رابطه با اموال غیرمادی، قوانین متعددی به تصویب رسیده است و در عین حال این کشور به کنوانسیون‌های متعددی نیز پیوسته است و بر اساس آن‌ها، به طور کلی و گذشته از برخی موارد استثنا، قانون محل ثبت اثر یا علامت به عنوان قاعده‌ی حل تعارض اعمال می‌گردد.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. الماسی، نجادعلی، **تعارض قوانین**، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، چاپ پنجم، ۱۳۸۰.
۲. الماسی، نجادعلی، **حقوق بین الملل خصوصی**، میزان، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۳. سلجوقی، محمود، **حقوق بین الملل خصوصی**، جلد دوم، نشر دادگستر، ۱۳۸۲.
۴. کاتوزیان، امیر ناصر، **دوره مقدماتی حقوق مدنی**، نشر دادگستر، ۱۳۸۰.

ب) لاتین

1. Briggs, Adrian, Conflict of Laws, Oxford University Press, 2002.
2. Clarkson, Christopher M. V., Hill, Jonathan, Conflict of Laws, Oxford University Press, 2006 .
3. Collier, J. G., Conflict of Laws, Cambridge University Press, 2005.
4. Dicey & Morris, The Conflict of Laws, Vol.2, 12 ed., Sweet & Maxwell, 1993.
5. Glasson, Robert, Conflict of Laws, Butterworths, 2000.
6. Graveson, R. H., Conflict of Laws, London, Sweet & Maxwell, 1974.
7. Jackson, David C., The Conflicts Process, London, Ocean Publications, 1975.
8. Kirsty, J. Hood, Conflict of Laws within the UK, Oxford University, 2007.
9. Lorenzen, Ernest Gustav, Conflict of Laws, W.S. Hein, 2006.
10. Mayss, Abba J., Conflict of Laws, Cavendish, 1997.

11. Mireille, M. M. Van Eechoud, Intellectual Property, Kluwer Law International, 2003.
12. Morris, The Conflict of Laws, London, 2ed., Sweet & Maxwell, 2000 .
13. Moloney, Niamh, Conflict of Laws, H L T Publications, 1996.
14. North, Peter & Fawcett, J.J., Cheshir and North's, Private International Law, London, Buterworths, 1987.
15. Ooi, Maisie, Shares and Other Securities in the Conflict of Laws, Oxford University Press, 2003.
16. Richman, William M., Understanding Conflict of Laws, Mathew Bender & Company Inc., 3ed., 2002.
17. Stone, Peter, Conflict of Laws, Pearson Education Australia, 1997.
18. Sukhninder, Panesar, General Principles of Property Law, London, Longman, 2001.
19. www.alcs.co.uk .
20. www.defra.gov.uk .
21. www.Legifrance.gov.fr.
22. www.patent.gov.uk.
23. www.wipo.int.